

# سراسر مینی استثنائی در عرصه رسانه

گفت‌وگویی با دکتر حسن عباسی

در مورد لبنان و رسانه‌ها



معصومه ظاهری

شما رسانه‌های کشور لبنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
لبنان، به لحاظ رسانه‌ای، آزادترین و بازترین کشور است، چه در خاورمیانه و چه در سراسر دنیا. این کشور دارای موقعیت خاصی است. کشوری که تصمیمات آن طایفه‌ای است نه سیاسی؛ در صورتی که سایر کشورها این گونه نیستند و شرایط قبیله‌ای و طایفه‌ای لبنان را ندارند. در این کشور انواع طوایف وجود دارند که هر کدام برای خود رسانه‌ای دارند و تصمیمات سیاسی خاصی را می‌گیرند و حزب‌هایی تشکیل داده‌اند که بر مبنای اهداف سیاسی طایفه‌ای خودشان عمل می‌کند؛ نه شرایط سیاسی حاکم. در لبنان بیش از ۱۰ هزار حزب و تشکیلات وجود دارد. روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی مختلفی که بلندگوی طایفه و گروه خود هستند و بدون هیچ محدودیتی هر آن چه می‌خواهند تبلیغ می‌کنند، بخش‌های تحلیلی و میزگرد دارند و از طریق رسانه مربوط به خود عمل می‌کنند. شیعیان دارای چندین رسانه‌اند؛ هم‌چنین اهل تسنن یا مارونی‌ها. البته بعضی رسانه‌های لبنانی از بیرون حمایت می‌شوند تا منافع آن‌ها را دنبال کنند، از جمله دولت سینیوره که متاثر از دولت‌های آمریکا، فرانسه و عربستان است. این کشورها ۷۲ میلیارد دلار به دولت او کمک کرده‌اند، پس این دولت هم در رسانه‌های خود هم‌راستا با سیاست‌های آن‌ها قدم برمی‌دارد؛ یا گروه سرگرد سعد حداد که با لبنانی‌های جنوب درگیر است و در رسانه خود

دکتر حسن عباسی، استراتژیست و نظریه‌پردازی شناخته‌شده است که سخن‌رانی‌های متعددی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه‌های سراسر کشور داشته است. یکی از فعالیت‌های منحصر به فرد او در دوران جنگ سی‌وسه روزه بود که با اشراف بر مسائل لبنان، این جنگ را در همان ابتدا از چندین بعد مورد بررسی قرار داد و تحلیل‌های جامعی را در خصوص حزب‌الله و جبهه‌های پیش روی آن ارائه کرد. وی هم‌اکنون نیز دوران پژوهشی را می‌گذراند، به گونه‌ای که به‌غیر از مجموعه سخن‌رانی‌های معمول خود که به‌تنهایی وقت بسیاری می‌گیرد، در صدد دایر کردن مرکزی یا محوریت مبارزه با تروریسم است.

سوره

دی بهمن و اسفند ۱۳۸۷ - شماره ۴۱

علیه حزب الله مطالب تند و تیزی می‌نویسد. رسانه‌های وابسته به غرب از کلماتی استفاده می‌کنند که بار منفی فراوانی علیه جنبش حزب الله دارد و از سویی دیگر ادعا دارند که حمله به نظامیان اسرائیلی عامل شروع این جنگ‌ها بوده است.

**به نظر شما عمل کرد حزب الله درباره مقوله‌ای مانند رسانه چگونه بوده است؟**

شیعیان لبنان مانند سایر گروه‌ها و احزاب دارای چند رسانه‌اند تا به وسیله آن‌ها بتوانند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. آن‌ها بخش‌هایی تحلیلی در رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها دارند و تاکنون هم به خوبی توانسته‌اند از انعکاس خبری بهره ببرند، به گونه‌ای که به غیر از کشورهای منطقه، حتی در بین اسرائیلی‌ها، مخاطبان زیادی را به خود جلب کرده‌اند و مردم آن‌جا هم با دقت برنامه‌های حزب الله را دنبال می‌کنند. در واقع حزب الله صدایی است که در کل دنیا انعکاس دارد و همه آن را می‌شنوند، اما چون قدرت تأثیرگذاری این صدا زیاد است - و این اثرگذاری به ضرر بعضی‌هاست - به همین خاطر در بسیاری از کشورها، حتی کشورهای عربی، سانسور می‌شود به خصوص سخن‌رانی‌های سیدحسن نصرالله که تأثیر زیادی بر افکار عمومی می‌گذارد، ولی خوشبختانه در ایران این سخن‌رانی‌ها به طور کامل پخش می‌شود.

**آیا شبکه حزب الله، یعنی المنار، توانایی آن را دارد که بُرد فراملی و جهانی داشته باشد؟**

بله و به خاطر همین تأثیر زیادی که بر افکار عمومی منطقه و جهان می‌گذارد محدودیت‌های زیادی در پخش ماهواره‌ای آن صورت گرفته است، به صورتی که شبکه آن دو، سه سال پیش در آمریکا، چندی قبل در فرانسه و به تازگی در آلمان تعطیل شد، زیرا این کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که وقتی رسانه‌ای فعال است و حرفی برای گفتن دارد، قطعاً مشکل‌زاست. از سویی به دلیل قوانین ممنوعیت‌های ضد یهودیت، هر رسانه‌ای که برخلاف این عمل کند، اجازه کار ندارد. شبکه المنار هم که بلندگوی حزب الله و شیعیان مخالف صهیونیسم است، از این محدودیت‌ها مصون نیست. المنار بعد از شبکه الجزیره و العربیه قرار دارد. الجزیره شبکه‌ای است که سالی ۱۵ میلیون دلار هزینه می‌کند. تلویزیون العربیه هم به خاطر امکانات محدودش برد نسبتاً کمی دارد، شبکه العالم هم از شبکه‌های فعال محسوب می‌شود که مخاطبانش فقط کشورهای عرب‌زبان است، به همین خاطر المنار در مقایسه با العالم و العربیه جای‌گاه خوبی در بین رسانه‌ها پیدا کرده است، به صورتی که هم اکنون به رقیب سرسخت همان الجزیره‌ای تبدیل شده که سالیانه با مبالغ هنگفتی از آن حمایت مالی می‌شود. المنار در برنامه‌های خود با آن که به مخالفت با رژیم اشغال‌گر قدس می‌پردازد، اما توانسته است حتی در بین اسرائیلی‌ها نیز جای‌گاه مناسبی پیدا کند. البته در مقابل، خانواده ثروتمند و متمول رفیق حریری هم شبکه تلویزیونی المستقبل را راه‌اندازی کرده‌اند و علیه اقدامات حزب الله خبرپراکنی می‌کنند.

**جهان اسلام بر رسانه‌ها تا چه اندازه تأثیرگذار بوده است و اصولاً آیا حرکت حزب الله را می‌توانیم در مسیر این حرکت‌های رسانه‌ای ارزیابی کنیم؟**

تأثیر رسانه‌ها در استمرار نقش سیاست خارجی و میلیتاریسم قدرت‌های حاضر در بحران‌های اخیر، غیرقابل انکار است. این مسأله یک عامل نظری دارد و علتش این است که در غرب با توجه به این که انتخابات جزئی از سنت سیاسی و دموکراسی آنان است،

سیاسیون ناگزیرند با هر ترفندی ملاحظاتی در خصوص تعامل با افکار عمومی داشته باشند و به برخی از خواسته‌های آنان پاسخ دهند. مثلاً در جنگ اخیر حزب الله لبنان با اسرائیل، علی‌الظاهر تنها اسرائیل درگیر جنگ بود، اما به لحاظ حمایتی و پشتیبانی جهان غرب، به خصوص آمریکا و انگلیس، با اسرائیل همراه بودند و غرب به صورت غیر مستقیم شریک این بحران بود، از این رو می‌بینیم که در این شرایط افکار عمومی غرب در برابر چندین جنایت بزرگ و نقض قوانین بین‌المللی به شدت زیر بمباران خبری و قلب واقعیات از سوی بنگاه‌های خبرپراکنی وابسته به صهیونیست‌ها قرار گرفته‌اند. مردم هم که توان حضور در منطقه را ندارند، اطلاعات و اخبارشان را از رسانه‌ها دریافت می‌کنند و رسانه‌ها رابطه و کارکرد مستقیمی در این میان دارند تا هرآن چه می‌خواهند به آن‌ها القا کنند. امروز بخش اعظم اخبار و اطلاعات رسانه‌های جهان، حول محور جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی می‌گردد و رسانه‌های غربی با همه‌جایی سنگین برآند تا اسلام را در نزد افکار عمومی تخریب کنند. گفتیم هر رسانه‌ای که حرفی برای گفتن داشته باشد، طبیعتاً مخاطبانی هم دارد. حزب الله لبنان هم به سبب مقاومت و سایقه مبارزه‌ای که دارد برای رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی جذاب و پرمخاطب است، لذا بزرگ‌ترین کارکردش را در شبکه المنار می‌بینیم. حزب الله هم با آگاهی از این تأثیرگذاری رسانه‌ها، از این تریبون حداکثر بهره‌برداری را می‌کند.

**چرا با توجه به جای‌گاه رسانه‌ها، ما مسلمانان در حوزه رسانه‌ای ضعیفیم و رسانه‌هایی اعم از صدا و سیما و جراید دارای نواقص عمده‌ای هستند، به گونه‌ای که در کشور ما منافع ملی و دینی را فدای حزب‌گرایی می‌کنیم. در صورتی که در کشوری چون لبنان شرایط به گونه دیگری است؟**

زیرا به رغم آگاهی از اهمیت رسانه‌ها و تأثیرگذاری بالای آن‌ها بر جهان اسلام، ما متخصص رسانه پرورش می‌دهیم، فارغ‌التحصیلانی در رشته رسانه‌های گوناگون داریم، اما متخصص اندیشه رسانه‌ای نداریم و این همان نقطه ضعف مسلمانان در بخش فعالیت‌های رسانه‌ای است که باعث کندشدن روند امور تشریحی و تبلیغی آن‌ها می‌شود. مثلاً در حال حاضر شیعیان عراق در این گیر و دار اشغال، توانایی فعالیت مثبت رسانه‌ای ندارند. در کشور خودمان نیز با وجود متخصص رسانه و متخصص اسلامی هنوز متخصص و کارشناس اسلامی - رسانه‌ای نداریم تا بتوانیم اسلام را به واسطه رسانه تبلیغ کنیم. به طور کلی مسلمانان متون خوبی در زمینه دینی دارند، ولی این امکان را که بتوانند این آموزه‌های اصیل را به وسیله رسانه‌ها انتقال دهند، به گونه‌ای که اثرگذار باشد و ملکه ذهن مخاطبان شود، متأسفانه ندارند. مراجع و آیات عظام به خوبی قادرند دین را ترویج کنند، ولی اگر همین مطالب را به همین سبک از طریق رسانه‌ها انتقال دهیم، شاید تأثیر آن به مراتب کم شود، به دلیل این که ما هنوز نتوانسته‌ایم مسائل دینی را به صورت عقلی درآوریم و سپس در قالب حسی - تجربی کنیم؛ به شکلی که برای رسانه‌ها قابل فهم و درک باشد و به مخاطبان عام انتقال بدهیم. البته گذار آموزه‌های دینی به عقلی و حسی کار سخت و مشکلی است که نمی‌توان به راحتی انجام داد و اصلاً نمی‌شود مسائل دینی را به عالم حس و تجربه وارد کرد، زیرا در یهودیت و مسیحیت به نسبت اسلام تقریباً همه چیز حسی و تجربی است و آن‌ها در حوزه رسانه راحت‌تر عمل می‌کنند. به عنوان نمونه در آیین یهود که خدا با یعقوب نبی کشتی می‌گیرد، آن‌ها با کمک انجیئشن، بازی‌های رایانه‌ای و حسی کردن مفاهیم دینی به خوبی در انتقال مطالب استفاده می‌کنند که کاری

در غرب با توجه به این که انتخابات جزئی از سنت سیاسی و دموکراسی آنان است، سیاسیون ناگزیرند با هر ترفندی ملاحظاتی در خصوص تعامل با افکار عمومی داشته باشند و به برخی از خواسته‌های آنان پاسخ دهند



ما متخصص رسانه پرورش می‌دهیم، فارغ‌التحصیلانی در رشته رسانه‌های گوناگون داریم، اما متخصص اندیشه رسانه‌ای نداریم و این همان نقطه ضعف مسلمانان در بخش فعالیت‌های رسانه‌ای است

هزار مخاطب وجود دارد، برای این که هر هزار مخاطب را داشته باشی باید برای تک‌تک آن‌ها یک مدل و طرح ارائه کنی تا همه را جذب کنی و برای هر کدام یک سفارش بدهی. این همان سیستمی است که رسانه‌های غربی با همه‌های تبلیغاتی، تاکنون در این حوزه موفق به تحریک و انحراف افکار عمومی شده‌اند.

بعضی کشورهای عربی رسانه‌های پرفردتی را در سطح منطقه و حتی دنیا دارند که اکثریت آن‌ها هیات تحریریه‌شان لبنانی‌اند. حتی به قول آقای منتظری - یکی از خبرنگارانی که مدت‌ها در لبنان اقامت داشته است - لبنان به سایر کشورهای عربی منطقه خبرنگار و روزنامه‌نگار نیز صادر می‌کند. آیا به نظر شما این مساله به‌خاطر قدرت رسانه‌ای لبنان است؟

نه، به نظرم این امر هیچ ربطی به قدرت و نفوذ رسانه‌ای لبنان ندارد. فضای باز و بدون مانع لبنان باعث شده است تا هر حزبی، آزادانه، رسانه‌ای در اختیار داشته باشد و بتوانند هر آن‌چه می‌خواهند از این بلندگو بیان کنند، هر تیرتی می‌خواهند بزنند و هر مطلبی که تمایل دارند بنویسند. بنابراین افراد، در این حرفه، کار رسانه را به‌خوبی یاد می‌گیرند؛ در صورتی که در کشورهای عربی منطقه این آزادی در حد صفر است. مثلاً در عربستان روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نیست، چون آزادی حزبی وجود ندارد، درحالی‌که در لبنان همه مردم با رسانه‌ها مانوس‌اند و تقریباً همه کارهای مالی و ارزی لبنانی‌ها از طریق رسانه‌های نوشتاری و دیداری انجام می‌شوند. مردم آن‌جا از نظر به‌روزبودن و آگاهی از اخبار مختلف، استثنایی هستند؛ با این اوصاف خبرنگاران در این کشور رشد می‌کنند و رسانه‌ها بسیار فعال و پرکارند، زیرا می‌دانند که کارشان از طرف مردم دنبال می‌شود و باید به‌لحاظ محتوایی غنی باشد. لذا اصحاب رسانه در لبنان این امکان را دارند تا در صورت تمایل، به هر جایی که خواستند، مهاجرت کنند و مشغول به کار شوند. در حال جمعیت لبنان کم است و بیش‌تر مردم برای کار به سایر مناطق می‌روند و به‌خوبی در حوزه رسانه‌ای هم فعالیت می‌کنند و این قضیه‌ای نیست که بخواهیم تحت عنوان صدور خبرنگار از آن یاد کنیم.

همان‌طور که می‌دانید یکی از انواع رسانه‌های بازی‌های رایانه‌ای است که به‌خاطر کاربرد زیاد در بین نوجوانان و جوانان از آن به‌عنوان بهترین حربه فرهنگی یاد می‌شود. به نظر شما لبنانی‌ها تا چه میزان در این امر موفق بوده‌اند و آیا توان مقابله با رقبای صهیونیستی خود را دارند؟

به‌لحاظ سخت‌افزاری بازی‌های رایانه‌ای در لبنان، به‌خصوص حزب‌الله، چندان قوی نیست، ولی از این نظر که جریانی چریکی به‌دنبال این کار است، اهمیت دارد. به‌رحال کشورهایی که به‌لحاظ خبری قوی هستند، می‌توانند با چنین مجموعه‌هایی رعب و وحشت در میان دشمنان ایجاد کنند، ولی به‌واقع در کشورهایی چون آمریکا هزینه‌های زیادی صرف تولید بازی‌های پیشرفته و تکنیکی می‌شود. آن‌ها با ۳۰۰ میلیون دلار در سال کار می‌کنند و بازی‌هایی که می‌سازند هم چند موتور دارند و هم جذاب‌ترند و علاقه‌مندان زیادتری را به‌سمت خود می‌کشاند؛ کشور کوچک و ضعیفی مانند لبنان قادر نیست با آن‌ها رقابت کند زیرا بازی‌های آن‌ها، هم از نظر امکانات فنی و هم از نظر بودجه، کامل نیست و نمی‌تواند قابل انعطاف باشد، اما لبنانی‌ها در زمینه فرهنگی فعالیت‌های زیادی کرده‌اند و این نشان‌دهنده آن است که به‌خوبی به‌جای‌گاه فرهنگ پی برده‌اند. ■

ثقیل و مشکل است. این عملی کاملاً حسی و تجربی و البته برای آن‌ها امکان‌پذیر است، زیرا متخصص تفکر مدرن دارند که می‌تواند مفاهیم دینی را به رسانه تبدیل کند، ولی ما نمی‌توانیم، به‌دلیل این که تفکر مدرن، وحیانی نیست تا به‌وسیله‌اش گذار رسانه‌ای را طی کند. این امر در نگاه انسان دینی مشکل است. ما نمی‌توانیم در رسانه انبیا و ائمه را جلوی دوربین ببریم و به تصویر بکشیم، زیرا کار رسانه با نور و تصویر است و این کار را برای مسلمانان مشکل و سخت می‌کند و نمی‌توانیم عالم غیب را به کمک نور و طنین صدا معرفی کنیم. این، از عهده هر کسی بر نمی‌آید. لذا باید اذعان داشت که مسلمانان در حوزه رسانه ضعیفند و مشکل دارند. باید این گذار عقلی به حسی را بیاموزیم، به‌گونه‌ای که به مسائل دینی خدش‌های وارد نشود. مساله دیگر در نظام رسانه‌ای، عملیات روانی و شانتاژ است که در رسانه‌های غربی زیاد دیده می‌شود و آن‌ها را در این حوزه فعال کرده است تا به‌راحتی بتوانند به انحراف افکار عمومی بپردازند، در حالی که در اسلام این امری مجرمانه و برخلاف موازین شرعی است. از طرفی دیگر، کشور لبنان آزادترین کشور در امر رسانه‌هاست، هر کس هر چه می‌خواهد می‌گوید و می‌نویسد، بدون این که مسائل سیاسی مطرح باشد. آن‌ها تنها براساس شرایط طایفه‌ای و قومی عمل می‌کنند و همه چیز در عرصه سیاست از قبل مشخص شده است، مثلاً رئیس مجلس از میان شیعیان انتخاب می‌شود و نمی‌تواند برای ریاست‌جمهوری تبلیغ کند یا رئیس‌جمهور از بین مسیحیان، به‌همین صورت درگیری احزاب برای منافع گروهی و طایفه‌ای است، درحالی‌که در ایران بیش‌تر درگیری احزاب برای امور سیاسی است. در لبنان کشورهای مختلف گروه‌های تحت پوشش خود را حمایت می‌کنند تا رسانه‌ها تحریک شوند و هر آن‌چه لازم است، برای تاثیرگذاری بر افکار عمومی انجام دهند.

همان‌طوری که می‌دانید با از بین رفتن قدرت امپراتوری آمریکا، دنیا از تک‌قطبی بودن به سمت چندقطبی بودن در حال حرکت است. به نظر شما این قضیه در مورد رسانه‌ها هم مصداق دارد؟

رسانه‌ها از حالت خطی و تک‌قطبی به حالت مولتی‌مدیا - چندرسانه‌ای - رسیده‌اند و انبوه‌دایی می‌شوند. قبلاً یک رسانه خاص حاکم بود که به‌دنبال کانفورمیسیم و شبیه‌سازی بود ولی امروز رسانه‌ها به سمت چندرسانه‌ای شدن عمل می‌کنند و مردم آزادند تا هر برنامه‌ای را که می‌خواهند ببینند. امروز به‌سبب وجود انعطاف بالا، کاربرد رسانه‌هایی چون ماهواره یا اینترنت زیاد شده است. تافلر در موج سوم از این امر تحت عنوان انبوه‌دایی نام می‌برد، به این صورت که قبلاً در سیستم هم‌شکل‌سازی، مدلی یکسان برای همه مخاطبان ارائه می‌شد، ولی در عصر حاضر و روش انبوه‌دایی، اگر